

بررسی معضل اعتیاد در حقوق ایران

صابر رشیدی

مدرس دانشگاه، کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

تبیین مسأله اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ما با توجه به نظریه‌های آنومی و برچسب زنی در جامعه فعلی ایران، ما شاهد جابجایی و تغییر ارزشها از سنتی و مذهبی به سمت ارزشهای مادی و مدرن هستیم. به ویژه اقداماتی که بعد از سال ۱۳۶۸ بالاخص در زمینه اقتصاد و آموزش انجام گرفته، موجب افزایش نابرابری گشته و در نتیجه آن (به علت گسترش فقر) ثروت در جامعه با ارزش شده است. علاوه بر این نمایش ثروت و نیازآفرینی از طریق تبلیغات رسانه‌های جمعی، فرایند با ارزش شدن ثروت تغییر نظام ارزشی جامعه را تشدید می‌نماید. این امر دارای پیامدهایی از قبیل ارزش شدن ثروت و تبدیل نظام طبقاتی به ارزش و حقوق اجتماعی بیشتر ثروتمندان است که از یک طرف برای یک نظام اجتماعی بسیار سالم خطرناک است و از طرف دیگر خود عامل و محرکی است برای با ارزش شدن باز هم بیشتر ثروت در جامعه. از این رو نه فقط فرد انسانها، بلکه کل نظام اجتماعی دچار بی تعادلی و آشفتگی و نابسامانی می‌گردد که خود باعث کاهش انسجام اجتماعی، تغییر گروه مرجع، افزایش انحرافات و... می‌گردد

واژه‌های کلیدی: اعتیاد، مواد مخدر، حقوق، ایران، جامعه

مقدمه

بررسی سیر قانون‌گذاری در ایران درباب اعتیاد نشان می‌دهد که قانون‌گذار ابتدا به اعتیاد به عنوان معضلی اجتماعی، که مستلزم شدت عمل در مقابل آن باشد، توجه نداشته است. این امر از اولین قانونی که تحت عنوان قانون تحدید تریاک در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری تصویب شد، قابل استنباط است؛ چرا که قانون مزبور فرصت ۸ ساله‌ای را برای حل مشکل مصرف شیریه به طور کلی و مصرف غیردارویی تریاک در نظر گرفته بود. نظام‌نامه تحدید ساخت و تنظیم توزیع ادویه مخدره مصوب ۱۳۱۳/۴/۲۵، مقرراتی را برای تحدید توزیع مواد مخدر پیش‌بینی کرد و بعد از آن مقررات دیگری در این زمینه به تصویب رسید.

گفتار اول:

۱-۱ معتاد و حق آموزش

آگاه ساختن مردم از عواقب و عوارض سوء مصرف مواد مخدر از حقوق اجتماعی مردم جامعه و از حقوق بشری افرادی از این جامعه است که بعداً دچار اعتیاد می‌شوند. عبارت معروف «پیش‌گیری بهتر از درمان است» مبین این امر است که اگر آموزش‌های لازم در زمینه آثار سوء مصرف مواد مخدر که منجر به اعتیاد می‌شود در اختیار افراد جامعه قرار گیرد، درصد اعتیاد پایین می‌آید.

برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد نیز «افزایش آگاهی و اطلاعات اقشار مختلف جامعه درباب خطرهای ناشی از مواد مخدر و ایجاد نگرش منفی در آنان نسبت به مصرف مواد مخدر، آموزش مهارت‌های سازگاری و امتناع در کودکان و نوجوانان، افزایش مهارت‌های تربیتی والدین، ارائه و ایجاد برنامه‌ها و فعالیت‌های سالم برای ارضای نیازهای اجتماعی و روانی نوجوانان و جوانان، شناسایی افراد در معرض خطر و اقدامات مداخله‌ای و مشاوره‌ای لازم، کاهش عوامل استرس‌زای خانوادگی و محیطی در کودکان و نوجوانان و در نهایت شناسایی و درمان و بازپروری معتادان به مواد مخدر» (وزیران، ۱۳۸۲) را از جمله برنامه‌های آموزشی اعلام کرده است که دولت‌ها مکلف به انجام آن‌ها هستند.

می‌توان گفت «تعهد دولت‌ها به حمایت از حقوق اقتصادی - اجتماعی» شامل سه جنبه می‌شود:

(الف) تعهد احترام به حقوق افراد از طریق عدم نقض آن با اعمال خود.

(ب) تعهد به حمایت از حقوق افراد از طریق جلوگیری دیگران از نقض آن.

(ج) تعهد به اجرای حقوق افراد از طریق اتخاذ تدابیر ضروری برای تأمین حقوق مزبور.

به نظر می‌رسد برای اجرای این حقوق باید دولت ملزم به اتخاذ تدابیری برای تأمین مراقبت‌های بهداشتی اولیه با همه لوازم آن، از جمله تدابیر پیش‌گیری به جای تدابیر درمانی باشد.

آموزش و آگاهی دادن به مردم درخصوص عوارض سوء مصرف مواد مخدر نیز مانند شمشیر دولبه می‌ماند: از یک طرف اطلاع و آگاهی حق افراد جامعه است؛ زیرا افرادی که با محرومیت از آموزش، دچار اعتیاد شده‌اند اگر آموزش لازم را می‌دیدند دچار اعتیاد نمی‌شدند. از طرف دیگر تالی فاسدی به دنبال دارد و آن این که آموزش خطرات استعمال مواد مخدر در دوره‌های آموزشی پایین‌تر، ممکن است این خطر را به دنبال داشته باشد که برخی افراد که شاید اصلاً به دلیل عدم آگاهی از وجود ماده‌ای به نام مخدر به فکر استعمال آن نباشند با آگاهی از وجود ماده مخدر و برای ارضای حس کنجکاوی خود درصدد استعمال برآیند. ولی به نظر می‌رسد نباید به عذر بروز و ظهور این تالی فاسد افراد را از آموزش محروم کرد. بدیهی است که هر شیوه پیش‌گیری از یکی سری محدودیت‌هایی برخوردار است و یکی از توالی فاسد شیوه‌های پیش‌گیری، همان آموزش غیرمستقیم به افرادی است که مخاطب برنامه‌های پیش‌گیری قرار می‌گیرند. با این کیفیت می‌توان یکی از حقوق بشری معتاد را برخوردار از آموزش، نه در حین اعتیاد، بلکه قبل از آن برشمرد.

۱-۲ معتاد و حق کار

در حالی که کنوانسیون‌های حقوق بشر یکی از حقوق اساسی انسان را داشتن کار مناسب با آزادی حق انتخاب قلمداد می‌کنند، در برخی قوانین و مصوبات به موارد مخالفی برمی‌خوریم: برای مثال، بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی چنین مقرر می‌دارد: «دولت‌های طرف این میثاق حق کار را که شامل حق هرکس است به صرف این‌که فرد باید به وسیله کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند معاش خود را تأمین کند، به رسمیت می‌شناسد و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.» و ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند و...»؛ و در حقوق برخی کشورها (برای مثال، استرالیا) اعتقاد بر آن است که «داشتن شغل ثابت، مسکن و فرصت‌های اجتماعی به اشخاص معتاد کمک می‌کند که بر اعتیاد خود فائق آیند»

ماده ۱۶ مصوبه مبارزه با مواد مخدر، اصلاحی ۱۳۷۶، در این مورد مقرر می‌دارد؛ در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و یا ارگان‌های دولتی یا وابسته به دولت باشد علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق، به انفسال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود. ولی چنان‌چه ثابت شود که محکوم ترک اعتیاد کرده است مجدداً می‌تواند مراحل استخدامی را طی کرده و مشغول خدمت در دستگاه‌های دولتی شود.

۳-۱- معتاد و حق ازدواج

قانون‌گذار ایران در سیاست جنایی تقنینی خود در اقدامی دیگر معتاد را از ازدواج نیز محروم می‌کند. قسمت اول ماده ۲۳ لایحه قانونی فوق‌الاشعار ازدواج را نیز منوط به ارائه گواهی عدم اعتیاد می‌کند. البته، این قانون معتاد را وادار به طلاق همسر خود نمی‌کند یا زن معتاد را وادار به طلاق گرفتن از همسر خود نمی‌کند.

در این‌جا نیز تردیدی نیست که قانون‌گذار با این ایده که یک فرد معتاد نمی‌تواند زندگی خود را اداره کند و با ازدواج علاوه بر خود، زندگی دیگری را نیز تباه می‌سازد و چنین کانونی، کانون گرم و مناسبی برای تولد و تربیت کودکان نخواهد بود چنین ممنوعیتی را مقرر می‌کند. تحقیقاتی هم که اخیراً در این باره صورت گرفته است این نظر را تأیید می‌کند. برای مثال، نتایج پژوهشی که به بررسی مقایسه‌ای وضعیت روان‌شناختی کودکان دارای پدر معتاد و کودکان با پدر غیرمعتاد پرداخته است حاکی از آن است که «کودکان پدران دچار اعتیاد، اختلالات رفتاری - هیجانی بیش‌تری نسبت به گروه کودکان پدران غیرمعتاد دارند. مقایسه الگوهای شخصیتی بیمارگونه در افراد معتاد و غیرمعتاد نیز حاکی از وجود سه الگوی شخصیتی بیمارگونه (ضداجتماعی، خودشیفته، وابسته) در افراد دچار اعتیاد بود. یافته‌های مربوط به بررسی رابطه میان الگوهای شخصیتی پدران و مشکلات رفتاری - هیجانی کودکان نیز نشان‌دهنده وجود رابطه میان برخی الگوهای شخصیتی در پدران و برخی از مشکلات رفتاری - هیجانی در کودکان آنان بود» (کوهی، ۱۳۸۲).

معتاد و حق دادرسی عادلانه

در حقوق ایران، علاوه بر این‌که حق معتاد در این‌که به عنوان بیمار نباید مجرم شناخته شود نادیده گرفته می‌شود، وی از شرایط یک دادرسی عادلانه نیز محروم است. در این مفهوم منظور از دادرسی عادلانه، هم واکنشی است که جامعه در مقابل معتاد از خود نشان می‌دهد و هم نوع دادرسی معمول در خصوص چنین فردی است.

به لحاظ واکنش اجتماعی، طبق ماده ۱۶ مصوبه مبارزه با مواد مخدر «معتادان به مواد مخدر مذکور در دو ماده ۴ و ۸ به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و تا سی ضربه شلاق محکوم می‌شوند و در صورت تکرار، در هر مرتبه تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.» اگر قانون‌گذار صرفاً به مجرم شناختن معتادان و اعمال اقدامات تأمینی درباب آنان بسنده می‌کرد، شاید با توجه به جو و شرایط فرهنگی و اجتماعی فعلی جامعه ایران ایراد زیادی وارد نبود؛ ولی به نظر می‌رسد تجویز شلاق برای بیمار مخالف اصول حقوق بشری و مخالف عقل سلیم و منطبق باشد. به لحاظ دادرسی نیز قانون‌گذار ایران به معتاد اجازه تجدید نظرخواهی از رأی محکومیت خود نمی‌دهد. ماده ۳۲ مصوبه مبارزه با مواد مخدر فقط در خصوص مجازات اعدام به‌طور کلی و در سایر موارد با رعایت شرایط خاصی به دادستان کل کشور یا رئیس دیوانعالی کشور اجازه دخالت در رأی صادره را داده است.

گفتار دوم: نحوه مجازات معتادین و تاثیر آن بر ترک اعتیاد

زندان در اعصار مختلف و در قرون گذشته به عنوان محلی برای تنبیه و مجازات مجرمین، معتادین و بزهکاران تلقی شده و معمولاً دید گا‌هایی بر اعمال شدت و تنبیه مجرمین استوار بوده است. با پدید آمدن مکاتب جدید حقوقی و جزایی و دخالت

علوم مختلف انسانی در شیوه های دادرسی و خصوصا نگهداری مجرمین و بزهکاران تغییر نگرش مربوط به آنها شروع شده است. از این بین مکتب اسلام و قوانین و مقررات موضوعه و برگرفته از منابع فقهی، شرعی، روانشناختی نظریه کاملا بینابین و معقول رادر خصوص مجرمین ارائه میدهد. پس از سالها تحقیقات مشخص گردید که کنترل جرائم از طریق تکنیک های آموزشی- روانشناختی نه تنها ملموس تر بوده، بلکه هزینه های بازپروری و نیز میزان ارتکاب مجدد جرم نیز کاهش می یابد، به عبارت دیگر ما می توانیم از آموزش در زندان به عنوان ابزاری جهت افزایش پتانسیل عدم بازگشت مجدد مجرم به زندان بهره مند شویم یکی از وجوه مهم پدیده اعتیاد مصرف کنندگان مواد یا به اصطلاح رایج تر، معتادین هستند اولین موضوعی که در ارتباط با معتادین باید مشخص گردد، نحوه برخورد با آنان است به صورت روشن تر آیا باید معتاد را مجرم تلقی کرد؟ یا اینکه بنا را بر بیمار بودن او گذاشت؟ به همین منظور مجازات را باید به تربیتی در نظر گرفت که محکومین ضمن تحمل آن بر اساس بازگشت به یک زندگی سالم در جامعه اعاده شوند با توجه به این نوع تفکر است که تا کنون تدابیر فراوان در این مسیر اندیشیده و اجرا شده است. امروزه نیز اقدامات اصلاحی و تربیتی به اشکال مختلف برای تربیت، درمان و بازپروری معتادین شده است از جمله تفکیک و طبقه بندی زندانیان، ایجاد مراکز مشاوره، تنظیم برنامه های آموزشی، ایجاد کارگاههای مختلف در زندان و... در همین رابطه علوم روانشناسی می خواهد بگوید چگونه می توانیم فرد را توانمند سازیم، تادرمقابل شرایط آسیب زای محیطی مقاومت کند، لذا بیان این نکته ضروری بنظر می رسد که ایجاد مراکز مشاوره در زندانها با داشتن نگرش وسیع و جامع و مد نظر قراردادن طرح ها و دیدگاه های مختلف علوم رفتاری مثل روانشناسی، جامعه شناسی، علوم تربیتی و.. امکان پذیر می گردد. در غیر اینصورت اگر اصلاح و تربیتی هم صورت گیرد ناقص خواهد بود، به لحاظ اینکه اعتیاد فقط ترک جسمانی نیست بلکه آثار روانی موجب بازگشت فرد به اعتیاد خواهد بود. آموزش به عنوان یک اصل بنیادین در چارچوب حقوق بشر و به منظور رشد و پیشرفت اشخاص توسط سازمان ملل متحد و یونسکو به رسمیت شناخته شده است تا جایی که آموزش زندانیان معتاد مطرح است این بدین معنی است که آنان بایستی در مدت تحمل کیفر تا حد امکان به کتابخانه ها، آزمایشگاه ها، کارگاه ها، مراکز فرهنگی و مهمتر از همه منابع آموزشی (روانشناسی) به منظور توسعه هر چه بیشتر تواناییهای خود دسترسی داشته باشند. طی تحقیقات بعمل آمده معتادین افرادی هستند که از لحاظ جسمانی و روانی وابسته به مواد مخدر هستند و عموما منابع مالی و شغلی خود را ازدست داده و یا اصلا فرصت و توان اینکه شغلی را فرا گیرند یا اختیار کنند نداشته، بعضا گرایش مجدد به اعتیاد را معلول عدم مهارت و فرصت شغلی می دانند و بالطبع فاقد تمکن مالی و امرار معاش مناسب هستند و از طرفی امر بازسازی و باز یابی معتادین ارتباط مستقیمی با مسائل روانشناختی و زیست محیطی آنان دارد، از اینرو به منظور دستیابی به اهداف پیش بینی شده اصولی ترین راهبرد می تواند وجود مراکز مشاوره و روان درمانی باشد که به وضوح جایگاه هس در بعضی از زندانهای کشور مشهود است. آموزش زندانیان معتاد در مورد نقشی که تفکر سالم در رفتار آنان ایجاد می کند واز آنجا که بسیاری از معتادین و جرائم به سبب عدم تفکر صحیح و پیشداوریه و اندیشه ناپخته ایجاد می شوند، کمک به عادت دادن زندانیان به تفکر، مخصوصا تفکر سالم و منطقی از اهمیت شایانی برخوردار است. به زندانیان آموخته میشود که اصول آموزش داده شده را به کار برده و علاوه بر آن تلاش هایشان را در گسترش فرد درمانی، جامعه درمانی، گروه درمانی و خانواده درمانی به هر نحو ممکن متمرکز کنند مجازات ها و راهبردهای کاربردی در سیاست جنایی درباره ی پیشگیری از جرایم مواد مخدر و اصلاح مجرمان باید متناسب با زبانی باشد که جرم مرتکب شده، به فرد، اجتماع و محیط زیست وارد می کند، چنان که مجازات اعدام و مصادره ای اموال درباره ی مجرمان قاچاق عمده ی مواد مخدر اجرا می شود، ولی برای مصرف کنندگان مواد مخدر مجازات های سبک مقرر شده و حتی طبق ماده ۱۵ قانون فعلی مبارزه با مواد مخدر با آن که اعتیاد جرم است به کلیه معتادان اجازه داده شده به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند.

به طور کلی در سیاست کیفری توجه به مسائل زیر ضروری است:

* شناخت مشروعیت و آثار مجازاتی که اعمال می شود؛

* شناخت دقیق هدف از اعمال مجازات ها؛

- * آگاهی عموم مردم و مجازات شونده از اهداف اعمال مجازات‌ها؛
- * تجدیدنظر مداوم در مجازات و متناسب کردن آن با شرایط روز؛
- * هماهنگ بودن ابزار مجازات با هدف از اعمال مجازات؛

گفتار سوم:

بررسی وضعیت اعتیاد در گروه دوستی همسالان:

به‌طور نسبی می‌توان گفت که در شش سال اول زندگی، خانواده، در شش سال دوم، معلمان و در شش سال سوم زندگی، همسالان و دوستان بیشترین نقش را در تربیت و شکل‌گیری شخصیت هر فرد ایفا می‌کنند. بدیهی است که برقراری رابطه با دوستان و هم‌قطاران در هر دوره‌ای از زندگی واجد اهمیت است. اما در دوره ی نوجوانی با توجه به ویژگی‌ها و رفتارهایی که توأم با نوجوانی است، به ویژه اینکه آنها خواهان مستقل شدن از خانواده، اثبات وجود و کسب هویت‌اند، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. در این سلسله مقالات به تشریح ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازیم.

نتیجه‌گیری:

گرچه وضعیت خانواده خود معلول عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... است. ولی به نوبه خود علت بزرگی برای بروز انواع رفتارهاست. «... بسیاری از والدین فکر می‌کنند... که نوجوانان، گروه‌های محروم‌تر یا فرزندان خانواده‌های در هم ریخته دچار اعتیاد می‌شوند؛ اما این تصور همیشه درست نیست...»

از میان عوامل خانوادگی، مادران با عواطف سردتر نسبت به فرزندان خود که فرزند را به حال خود رها می‌کنند و ایمان و اعتقاد (به حرام بودن مشروبات و مسکرات) از عوامل تأثیرگذارند.

پیش از ورود به پیش‌نیاز، ذکر این نکته را لازم می‌دانم که بگویم، چرا کلاس چهارم و پنجم؟ چون دانش‌آموزان این پایه‌ها از نظر زمانی نزدیکترین پایه‌های ابتدایی به سن نوجوانی و جوانی‌اند. و ضمناً نسبت به پایه‌های دیگر در درک و فهم مسئله اعتیاد تواناتراند. اما پیش‌نیاز طرح اعتیاد در این کلاس‌ها آن است که معلم ارتباط خود با دانش‌آموزان کلاس را در جوی صمیمی، دوستانه و فراخور هیجانان و عواطف کودک تنظیم کرده باشد.

جوی که معلم در عین اقتدار صمیمی و منطقی و مهربان و محرم خود، آزادی ابراز عقیده و ابراز وجود را برای دانش‌آموزان مهیا کرده باشد و جو کلاس عاری از تمسخر، اضطراب، تشویش و نگرانی باشد و دانش‌آموز بتواند راحت حرف خود را بگوید. می‌توان گفت محروم ساختن معتاد از شغل و ازدواج، یا تبعید وی از جامعه مرادف با مرگ مدنی وی است. چون لازمه ادامه حیات امکان اشتغال و کسب و درآمد است، وقتی کسی امکان اشتغال به کار نداشته باشد در واقع جامعه به جای مرگ کیفی مرگ مدنی را به وی تحمیل کرده است.

مشکل اصلی و اساسی در برخورد با پدیده‌های اجتماعی در جامعه ما آن است که عمدتاً تصور بر آن است که با برخورد شدید می‌توان بر مشکل ظاهر شده غلبه کرد. منشاء این تصور غلط از جهل به لزوم مقابله با علت، به‌جای مبارزه با معلول، ناشی می‌شود. عقل و منطق حکم می‌کند تا زمانی که علت موجود باشد معلول هم قهراً به‌وجود خواهد آمد. لذا برای از بین بردن معلول باید به مبارزه با علت برخاست، نه خود معلول. از این طرز تلقی نباید چنین استنباط کرد که هدف توجیه ارتکاب رفتار غلط و مغایر ارزش‌های حاکم بر جامعه از طرف افراد یا تخدیش و تخطئه تلاش نهادهای موجود در مقابله با نابسامانی‌هاست؛ بلکه هدف آن است که معایب برخورد با پدیده‌های نابهنجار اجتماعی گوشزد شود. جرایم مرتبط با مواد مخدر، اعم از آن که مربوط به فرایند قاچاق و عرضه باشد یا مصرف و اعتیاد، از جرایم و گناهیانی نیست که در نصوص فقهی و احکام اسلامی برای آن‌ها حدود خاص، معین شده باشد و قانونگذار می‌تواند با توجه به ویژگی‌های مرتکب، اوضاع و احوال ملی و بین‌المللی، مقتضیات زمان و ارزش‌های فرهنگ اجتماعی، در راستای اهداف اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی دیگران، مجازات‌های پیشگیرانه و بازدارنده، حتی بر اساس عدالت ترمیمی، برای آن مقرر کند. برای مثال: در مورد کسی که بیش از سی گرم هروئین حمل می‌کند، در هیچ یک از منابع فتوا (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مجازاتی معین نشده و قانونگذار الزامی به مقرر کردن مجازات اعدام ندارد و همان‌طور که گفته شد مجازات‌های این قبیل جرایم باید با توجه به میزان تبعات سوء و زیان‌های بهداشتی،

اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... که دارد، معین شود و اعمال گردد. البته چنانچه جرایم جانبی مانند قتل، سرقت، ایراد ضرب، جرح و دیگر جرایم از این قبیل که در فقه اسلامی حدود و تعزیراتی برای آن‌ها مقرر شده در فرایند قاچاق و مصرف مواد مخدر اتفاق افتد، مجازات‌های منصوص خود را دارد.

بنابراین قانونگذار مجازات شلاق را که در عرف ملی و بین‌المللی قابل توجیه و پذیرش نیست، می‌تواند از مجازات‌های مواد مخدر حذف و مجازات اعدام را به مواردی محدود کند که از مصادیق واقعی و قطعی افساد فی‌الارض بوده و یا مجازات‌های دیگر بازدارنده نباشند. همچنین مجازات حبس که در سطح جهانی در حد اعدام و شلاق مذموم نیست به موارد متعددی از جرایم مواد مخدر مقرر شده و به مواردی محدود کند که مجازات‌های جایگزین مانند خدمات عام‌المنفعه، حبس در خانه، اجرای عدالت ترمیمی و مجازات‌هایی از این قبیل، مؤثر نباشند.

خلاصه آن‌که، به نظر می‌رسد برخورد سرکوب‌گرانه قانون‌گذار با اعتیاد و جرایم مواد مخدر نتیجه عملی موفقیت‌آمیزی نداشته است. لذا بهتر است قانون‌گذار به واقعیت اجتماعی توجه بیشتری کند و به جای مبارزه با معلول به مبارزه با علت بپردازد. ارتکاب جرایم مواد مخدر همانند سایر جرایم، گرایش افراد به اعتیاد همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، علت دارد و هیچ معلولی بدون علت بوجود نمی‌آید. پس باید با علت مبارزه کرد و نه با معلول.

راه حل نهایی: مبارزه با مواد مخدر:

از یک قرن بعد از انتشار دخانیات، مبارزه با آن از طرف رهبران کشورها شروع شد. در غرب از طرف کشیش‌ها تحریم شد. سلاطین عثمانی مجازات اعدام برای استعمال کنندگان دخانیات قرار دادند. اکنون پایه پای گسترش و رواج مواد مخدر فعالیت‌هایی هم در جهت مبارزه با مصرف آنها (خرید، فروش، حمل)، انجام می‌شود. بنابراین در جهت مبارزه همکاری‌های بین‌المللی زیر نیز لازم است:

۱- متلاشی کردن باندهای بین‌المللی و مراکز آنها در کشورهای مختلف

۲- ایجاد ارتباط عمیق و نزدیک و عملی بین نیروهای انتظامی کشورها در زمینه

۱-۲- استرداد مجرمین و قاچاقچیان مواد مخدر و مصادره جهانی اموال قاچاقچیان

۲-۲- همکاری‌های قضایی گسترده و بدون کارشکنی

۲-۳- تقویت دوجانبه مرزها و احساس مسئولیت جهانی.

فهرست منابع فارسی :

۱. جلالی، سید احمد، ۱۳۸۱، هوش هیجانی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هجدهم، شماره ۲۰۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۶۹-۷۰، صفحات ۸۹ تا ۱۰۵

۲. حسنی، محمد، بی‌تا، ارتقاء خودکار "قبولی تضمینی" یا حذف مردودی معنی، کاربرد، دلایل، چالش‌ها و الزامات.

۳. مقنی زاده، محمد حسن، ۱۳۸۰، بررسی راه‌های افزایش مشارکت دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های پرورشی مدارس، معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.

۴. مقنی زاده، محمد حسن، ۱۳۸۱، ارتقای فرهنگ مدرسه، بنیانی برای اصلاح مدرسه، سال هجدهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۷۱، صفحات ۱۰۳ تا ۱۳۳.

فهرست منابع انگلیسی :

Goleman Daniel, (1995) Emotional Intelligence Why it can matter more than IQ. New York : Bantam Books.

Kirk, A.S. Gallagher, J.J. Anastasiow, J.N. (1997) Educating Exceptional Children. Boston, Houshton Company.